

به نام خدا

نقش طلاب در ایجاد شناخت نسبت به استرس یکی از آثار ناشی از تهاجم فرهنگی

نجمه نصر^۱، لیلا کمانی^۲، محبوبه پورملک^۳

چکیده

از آن جا که دشمن با انواع حيله‌ها به ما و مردم ما رو کرده، در صدد براندازی اسلام عزیز می‌باشد و حيله‌هایش این بار بر خلاف گذشته مخفی و ناپیدا و در نتیجه شناخت آن سخت تر است، پس ضرورت دارد که در هر مجالی از آن سخن به میان آورده تا همگان از حيله وی آگاه شده، با عوارض جنگ ناپیدایش آشنا شوند. هجمه‌ای که این بار دشمن بر علیه اسلام آغاز کرده است از آن جا که در وهله نخست با چشم سر قابل دیدن و درک کردن نیست، دیرتر به آن پی برده می‌شود و بعد از آسیب‌های فراوان مردم متوجه وقوع آن می‌شوند و چون مرکز اثر آن بر باورها و فرهنگ مردم است از آن به تهاجم فرهنگی یاد می‌شود. ضربه‌ای که از این طریق وارد می‌شود ضربه سختی است چرا که بسیار طول می‌کشد تا مردم به وجود دشمن و اهداف او و تهاجم پیش آمده، پی ببرند. یکی از اهدافی که دشمن در این جنگ به دنبال آن است، ایجاد اضطراب و استرس در مردم است و روشنگری مردم نسبت به تهاجمی که به این کشور شده است، بسیار ضروری به نظر می‌آید و بخشی از این نقش روشنگری و ایجاد آگاهی برعهده حوزه‌ها و طلاب می‌باشد، ولی قبل از آن باید جایگاه‌های هدف دشمن و اثرات آن معلوم گردد، چرا که تا وجود حمله و پیامدهای آن اثبات نشود و راه‌های آن بررسی نگردد امکان دفاع وجود ندارد.

موضوع‌های مورد حمله‌ی دشمن را می‌توان به دو بخش: عوامل مذهبی و عوامل غیرمذهبی تقسیم بندی کرد. که هر کدام از آنها آثاری را در پی دارد و یکی از این آثار استرس است. پیدا کردن روش‌های حمله و اهداف دشمن در این تهاجم مقدمه‌ای بر نقش طلاب یعنی ایجاد آگاهی نسبت به آثار آن می‌باشد. این مقاله با بیان چگونگی ایجاد استرس از طریق تهاجم فرهنگی تاحدودی راه را برای آن روشنگری و پیشگیری از تهاجم‌های بعدی هموار می‌کند.

واژگان کلیدی: طلاب، شناخت، آثار، استرس، تهاجم فرهنگی

1. طلبه سطح دو، پایه سوم پاره وقت، حوزه علمیه زهرائیه نجف آباد، پاییز 96.

2. طلبه سطح دو، پایه سوم پاره وقت، حوزه علمیه زهرائیه نجف آباد، پاییز 96.

3. طلبه سطح دو، پایه سوم پاره وقت، حوزه علمیه زهرائیه نجف آباد، پاییز 96.

مقدمه

با مطالعه تاریخ به جنگ‌های متعددی در نقاط مختلف دنیا برمی‌خوریم که در همه آن‌ها قومی، ادعا یا طلب برتری دارد، به اقوام دیگر دست‌درازی کرده، می‌خواهد به انحاء مختلف بر منابع و معادن و قلمرو آن‌ها مسلط شود؛ اما اندک اندک که تاریخ ورق می‌خورد، در آن برهه‌ای دیده می‌شود که دیگر جنگ نظامی و لشکرکشی در بسیاری از شرایط و کشورها پاسخگو نبوده، دشمن با عزم و اراده ملت مغبون می‌شود؛ چرا که وقتی ملت هجوم را با چشم خویش می‌بیند، آنرا بر نمی‌تابد و تا پای جان از میهن خویش دفاع می‌کند. پس از آن‌جا که میل برتری و ریاست و استعمار و غارت دشمن هنوز پابرجاست، با شیوه‌ای جدید و راهی جدید پا به میدان می‌گذارد که از این شیوه‌ی جدید به تهاجم فرهنگی یاد می‌شود.

در تهاجم فرهنگی دیگر نیازی به لشکرکشی و مهمات و اسلحه و از دست دادن نیروهای نظامی نیست بلکه از هر راه و روشی سعی می‌کنند تا آن نیروی محکم و اراده و ایمان و اعتقادی که جلوی حمله نظامی را در گذشته گرفته بود، ضعیف و نابود کنند. وقتی کشور مورد هجوم، از درون پوسید و اعتقادات و مبانی ارزشی خود را از دست داد، خود به خود تابع دشمن شده و عملاً فکر و روح خود را مستعمره‌ی او می‌کند.

اینجاست که ضرورت کار و تعمق و تحقیق برای مقابله روشن می‌شود، زیرا اگر نفهمند و نشناسند و به مقابله و مبارزه برنخیزند یک به یک تمام اهداف بالقوه دشمن بالفعل شده، دشمن بر آن‌ها مسلط می‌شود.

فرهنگی بودن تهاجم مورد بحث و آشکار نبودن آن، به دشمن فرصت کافی را می‌دهد که قوای خود را برای حمله به تمامی موضع‌های مقابل فراهم‌کند؛ در این تهاجم دشمن زیر نقاب تزویر و حيله مخفی است، ساز و برگش رنگین و زیبا و صدای شیپور جنگش ترسناک نیست. او راحت به میان مردم می‌آید آن‌چه می‌خواهد می‌گیرد و آن‌چه می‌خواهد را می‌دهد. یکی از چیزهایی که او در تهاجم فرهنگی به غارت می‌برد سلامت روح و روان ملت است؛ که این کار را مدت‌هاست از طرق مختلف شروع کرده‌است. این مقاله به نقش طلاب در مورد روشنگری مواضع مورد تهاجم دشمن (مذهبی و غیرمذهبی) و استرس ناشی از آن می‌پردازد.

الف) تهاجم فرهنگی دشمن به عوامل مذهبی و نقش طلاب در آگاهی دادن به مردم

1- تضعیف روحیه ایمان به خدا و نقش طلاب در ایجاد شناخت استرس ناشی از آن

یکی از روش‌های دشمن در تهاجم فرهنگی و ایجاد استرس، ضعیف کردن ایمان مردم می‌باشد که به وسیله از بین بردن حلاوت ایمان و کمرنگ کردن توکل، آن را ایجاد می‌کند.

1-1. از بین بردن حلاوت ایمان

ایمان به خدا حلاوتی دارد که مثل آن را در هیچ‌جا و هیچ موضوعی نمی‌توان یافت و این حلاوت به گفته‌ی صریح قرآن مایه آرامش است. با مطالعه در زندگی ائمه علیهم‌السلام این آرامش به وضوح حس می‌شود و بعد از آن مراتب مختلف آرامش ناشی از ایمان در زندگی علما و حتی در زندگی انسان‌های اطراف نمایان است که بسته به میزان ایمانشان؛ اگر چه از لحاظ مادی یا مسائل دیگر تحت فشار هستند، اما؛ آرامش آن‌ها با هیچ مشکلی به هم نمی‌خورد. چرا که خداوند خود را به طور فطری محبوب انسان قرار داده است؛^۱ اما زمانی که انسان از محبوب خود دور شود، هیچ رویدادی جایگزین آن نخواهد شد. ارتباط با خدا پشتیبانی است که انسان می‌تواند در سایه آن به امن‌ترین و آرام‌ترین مأمون روحی دست یابد و با از دست دادن آن حتی اگر از لحاظ مادی و غیره در رفاه باشد آرام نخواهد بود. "هرکس از یاد من دل بگرداند، در حقیقت زندگی تنگ و سختی خواهد داشت."^۲ "اوست آن کس که در دل مؤمنان آرامش را فروفرستاد تا ایمانی بر ایمان خود بیفزایند."^۳ علامه طباطبایی رحمه‌الله علیه در تفسیر این آیه می‌فرماید: از ظاهر آیه برمی‌آید که مراد از سکینت آرامش و سکون نفس و ثبات و اطمینان آن به عقایدی است که به آن ایمان آورده‌اند، لذا علت نزول سکینت را این دانسته که ایمانی جدید به ایمان

1 مهدی، علیزاده، مبانی و مفاهیم اخلاق اسلامی، قم، دفتر نشر معارف، 1390، ص 193.

2 "وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا"، طه (20)، آیه 124.

3 "هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ"، الفتح (48)، آیه 4.

سابق خود بیفزایند و می‌گویند: که خدا کسی است که ثبات و اطمینان را که لازمه مرتبه‌ای از مراتب روح است در قلب مؤمن جای داد تا ایمان که قبل از نزول سکینت داشت بیشتر و کامل‌تر شود.^۱

امروزه برخی پزشکان از سراسر جهان برای معالجه روان‌پریشی و استرس از روش‌های دین‌درمانی و استحکام پایه‌های دینی استفاده می‌کنند و غرب همان‌طور که این موضوع را برای درمان بیماران خویش پذیرفته‌است، به راحتی عکس آن را برای تخریب کشورهای مدنظر خود در جنگ نرم استفاده کرده، با تضعیف روحیه ایمان از روش‌های مختلف سعی در از بین بردن اعتقادات و ایجاد استرس در مردم دارد. چرا که مشخص است تا ملتی به نیروی قوی ایمان مسلح باشد، آرام و مطمئن است و از هیچ قدرتی هراس ندارد. "آگاه باش که با یاد خداست که دل‌ها آرام می‌گیرد." ^۲ امیرالمؤمنین علیه‌السلام در یکی از کلمات حکمت‌آمیز خود می‌فرمایند: "زينة الْبُاطِنِ أَجْمَلُ مِنْ زِينَةِ الظَّوَاهِرِ" ^۳ یعنی زینت باطنی زیباتر از زینت ظاهری است. "غرب به انحاء مختلف سعی می‌کند که زیبایی‌های ظاهری را جایگزین آن زیبایی باطنی و اصلی کند؛ ولی اسلام زیبایی‌های باطنی بسیار فوق‌العاده‌ای دارد که روزی جهان را فتح خواهد کرد."^۴

همچنین قرآن در آیه دیگری می‌فرماید: "کسانی که ایمان آوردند و ایمانشان را به شرک و ستم نیالودند، ایمنی تنها از آن‌هاست و آن‌ها هدایت یافتگان‌اند."^۵ این آیه مؤکد است زیرا که شامل اسنادهای متعددی در جمله اسمیه است. به تعبیر علامه طباطبائی رحمه‌الله‌علیه "نتیجه این تأکیدهای پی‌درپی این است که نباید به هیچ وجه در اختصاص امنیت و هدایت برای مؤمنین شک و تردید داشت و این آیه شریفه هم دلالت می‌کند بر این که امنیت (آرامش) و هدایت از خواص و آثار ایمان است. البته به شرط این که روی این ایمان با پرده‌هایی مثل شرک و ستم پوشیده نشود."^۶

حال که اهمیت ایمان به خدا در زندگی و ایجاد آرامش بیان شد و مشخص شد یکی از اهداف دشمن، از بین بردن ایمان مردم و ایجاد استرس است؛ نقش طلاب در آگاهی دادن مردم جلوه بیشتری پیدامی‌کند. طلاب با آگاهی دادن در مورد: ایمان و اثرات آن، مضرات حذف ایمان، ایجاد استرس و راه و روش‌های دشمن برای دستیابی به این هدف، می‌تواند موثر باشد.

1 سیدمحمدباقر، موسوی همدانی، همان، ج 18، ص 387 - 388.

2 "الْإِذْكَرِ اللَّهُ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ"، الرعد (13)، آیه 28.

3 علی بن محمد، لبی و اسطی، همان، باب 11، ص 276.

4 ماهنامه صالحین، سال دوم، شماره هفتم، دی و بهمن 1393، گفتاری از استاد پناهیان، ص 25.

5 "الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ"، الانعام (6)، آیه 82.

6 سیدمحمدباقر، موسوی همدانی، همان، ج 7، ص 280.

1-2. کمرنگ کردن توکل

توکل از ریشه وکل به معنی وکیل گرفتن و واگذاری کارها به وکیل می‌باشد. قرآن یکی دیگر از عوامل آرامش را توکل می‌داند: "کسی که بر خدا توکل کند خدا کفایت امرش را می‌کند."¹ وقتی که مؤمن توکل داشته‌باشد، یعنی یقین دارد که در برآمدن حوائجش کسی جز خدا به مصالح امور و روش‌های حل مشکل‌ها آگاه نیست. برای همین با آرامش زندگی می‌کند و دائم اضطراب و استرس از دست دادن،² روح و جان‌ش را درگیر نمی‌کند. توکل یعنی کارها را به خدایی بسپاریم که او به بندگانش بی‌نا است.³ توکل یعنی انسان باید با سنجیدن و بررسی تمام جوانب، کار را به بهترین صورت انجام دهد و در نتیجه‌گیری از آن به خدا توکل کند، که خدایا من از آن‌چه که از دستم برمی‌آمد کوتاهی نکردم اما؛ تو به خیر و شر آن آگاهی و دیگر از نتیجه آن هراسان و مضطرب نباشد. یعنی بعد از توکل، نباید منتظر باشد که آن‌چه به نظرش صلاح می‌آید، انجام شود. چرا که "چه بسا چیزی را خوش نداشته‌باشید، حال آن‌که خیر شما در آن است و یا چیزی را دوست داشته‌باشید، حال آن‌که شر شما در آن است و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید."⁴ ولی متأسفانه دشمن از این نیروی قوی علیه خود ما استفاده، توکل را عکس ترجمه کرده به خورد ملت داده است. او از طرفی تلقین می‌کند که توکل با عدم مسئولیت برابر است وقتی همه کارها دست خداست، دیگر نگران آن‌چه از جانب تو رخ می‌دهد، نباش و هر چه می‌خواهی انجام بده و از طرف دیگر القای کند که تو توکل کردی اما خدا با این‌که قادر بود اسباب را برای تو فراهم کند، نکرد. پس تو در پیشگاه خدا جایگاهی نداری و توکل فایده‌ای ندارد. مشخص است که ثمره چنین طرز تفکری خرابی‌های بسیار می‌باشد که سلامت روح و روان شخص را تهدید کرده و خود و اطرافیان را مضطرب می‌سازد. سپس از انسانی که استرس دارد و نمی‌تواند درست مسائل را تحلیل و بررسی کند، کسی انتظار موفقیت نخواهد داشت. غرب به راحتی با تلقین غلط یک عبارت به اهداف خود در تهاجم فرهنگی نزدیک می‌شود و طوری برنامه‌ریزی می‌کند که نگرش انسان‌ها را از توکل که دژ محکمی در برابر شیطان و آسیب‌های اوست⁵ بر عکس جلوه دهد و در جهت آسیب‌رسانی به روح و روان از آن استفاده کند.

در اینجا نیز تقویت روحیه توکل و باز کردن معنای آن و تزریق آرامش ناشی از روحیه توکل در جامعه به عهده طلاب حوزه‌های علمیه بوده که باید از طریق تفسیر آیات و روایات توکل و در مشاوره‌هایشان مردم را روشن کرده و در این جهت نیز دشمن را ناکام گذارند.

1 "وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ"، الطلاق (65)، آیه 3.

2 "لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَى مَافَاتَكُمْ وَ لَا تَفْرَحُوا بِمَا ءَاتَاكُمْ"، الحديد (57)، آیه 23.

3 "أَفَوَضْ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ"، غافر (40)، آیه 44.

4 "عَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئاً وَ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَ عَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئاً وَ هُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ وَ أَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ"، البقره (2)، آیه 216.

5 "إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ عَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ"، النحل (16)، آیه 99.

35. مازندرانی، محمد صالح بن احمد، **شرح الکافی - الاصول و الروضه**، ابوالحسن، شعرانی، تهران، المكتبه الاسلاميه، 1382 ق.

36. شیخ حر عاملی، **وسائل الشيعه**، قم، موسسه آل البيت عليهم السلام، 1409 ق.

37. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، **الوافی**، اصفهان، کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام، 1406 ق.

38. طبرسی، حسن بن فضل، **مکارم الاخلاق**، قم، نشر الشریف الرضی، 1412 ق.

39. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله، **شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید**، محمد ابوالفضل، ابراهیم، قم، مکتبه آیه الله مرعشی نجفی، 1404 ق.

مجلات

40. ماهنامه صالحین، سال دوم، شماره هفتم، دی و بهمن 1393.

41. ماهواره یا دجالواره، ویژه سرگروه های تربیتی، مرکز تولید اندیشه و پاسخ گویی سازمان بسیج مستضعفین.

42. مجله روان شناسی در تعامل با دین، سال اول، ش 2، تابستان 87، پایان نامه سیدمهدی موسوی اصل.

43. مجله معرفت، 1388، شماره 75، مقاله محمد مهدی، صفورایی پاریزی.

سخنرانی

44. سخنرانی حجه الاسلام منتظری، 94/8/20، حوزه علمیه زهرائیه، با عنوان تغذیه، سلامت و بهداشت.

45. مصاحبه اختصاصی دکتر اسماعیل اکبری با خبرنگار واحد مرکزی خبر، چهارشنبه 1393/12/6.

سایتها

46. <http://www.ommolketab.net/Persian/search>

47. <http://pagooohesh.howzeh-tehran.com>

48. <http://www.fater24.com>

نرم افزارها

49. جامع الاحادیث از مجموعه نرم افزارهای نور

50. جامع التفاسیر از مجموعه نرم افزارهای نور

پیوست‌ها

بد نیست در این قسمت چند روش از نحوه استفاده دشمن در تهاجم فرهنگی از رسانه‌های اجتماعی به طور مختصر بررسی شود.

1. برچسب زدن

بر اساس این تاکتیک رسانه‌ها، واژه‌های مختلف را به صفات مثبت و منفی تبدیل کرده و آن‌ها را به آحاد یا نهادهای مختلف نسبت می‌دهند. هدف از این عملکرد، آن است که ایده، فکر یا گروهی محکوم شود و یا با این کار برای محکومیت آن‌ها استدلال آورند. مثل برچسب‌هایی که به اقوام مختلف ایران زده می‌شود و تحت عنوان جوک و شوخ طبعی انتشار می‌یابد و یا برچسب تروریسم که برای کشتار مردم مظلوم فلسطین به کار می‌برند.

2. تلطیف و تنویر

تلطیف و تنویر یعنی کاری یا چیزی را با کلماتی پرفضیلت بیان کنند تا مردم بدون بررسی آن را بپذیرند. نمونه‌اش این است که بسیاری از مردم، غرب را مهد آزادی و حقوق بشر می‌دانند در حالی که بیشترین نقض حقوق بشر و آزادی در پوششی لطیف و زیبا از جانب آن کشورها صورت می‌پذیرد.

3. انتقال

یعنی حرمت، منزلت و اقتدار جریان‌ها یا نمادهای مذهبی و ملی که مورد احترام مردم است را با طنز، کاریکاتور، داستان کوتاه، شعر، موسیقی و ... به چیز دیگری منتقل کنند.

4. تصدیق

یعنی کسانی که مورد احترام (سیاست مداران، هنرمندان، ورزشکاران، دانشمندان و ...) یا نفرت مردم هستند؛ فکر، برنامه، محصول یا شخص معینی را تصدیق کنند.

5. شایعه سازی

به انتقال شفاهی پیام می‌گویند که برای برانگیختن باور مخاطبان و اثر بر روحیه آن‌ها ایجاد می‌شود. شایعه وقتی در جایی که اخبار موثق در دسترس نباشد، استفاده می‌شود. از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم روایت شده که: "مَنْ أَذَاعَ فَاحِشَةً كَانَتْ كَمُبْتَدئِهَا"¹ هر که گناه مومنی را فاش کند چنان باشد که خود آن گناه را کرده باشد.

1 محمد بن یعقوب، کلینی، الکافی، همان، ج 2، ص 356.

6. کلی گویی

گاهی مفاهیم کلیدی مثل جهانی شدن، دموکراسی، آزادی، حقوق بشر و ... از سوی رسانه‌های غربی طوری ارائه می‌شود که ذهن مخاطب متوجه حواشی و شاخ و برگ آن نشده و در رابطه با هسته مرکزی پیام حساسیت نشان نمی‌دهد و دنبال بررسی اصل موضوع نمی‌رود و همان‌طور که شنیده آن را می‌پذیرد.

7. دروغ بزرگ

این یک تاکتیک قدیمی است که هنوز هم فراوان مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ به این صورت که پیامی را که به هیچ وجه واقعیت ندارد آن قدر تکرار می‌کنند تا ذهن مخاطب به آن جذب شده و آن را بپذیرد. این جمله معروف از گوبلز رئیس دستگاه تبلیغاتی نازی‌ها در زمان آدولف هیتلر است که می‌گوید: "دروغ هر چه بزرگ‌تر باشد، باور آن برای مردم راحت‌تر است."

8. پاره حقیقت گویی

گاهی خبر یا سخنی مطرح می‌شود که از نظر منبع و محتوای پیام، مجموعه‌ای به هم پیوسته و مرتب است که اگر بخشی از آن نقل و بخشی حذف شود جهت و نتیجه پیام منحرف خواهد شد. این رویه رایج رسانه‌هاست که معمولاً متناسب با جایگاه و جناح سیاسی که به آن متمایل هستند، بخشی از خبر را نقل و بخشی را نقل نمی‌کنند. خبر هنگامی کامل است که عناصر خبری در آن به شکل کامل مطرح شوند، اما چنانچه یکی از عناصر خبری شش‌گانه (که، کجا، کی، چرا، چه، چگونه) در خبر بیان نشود، خبر ناقص است. آن‌گاه با ذکر یک منبع موثق یک پیام اشتباه را در اذهان عمومی وارد می‌کنند.

9. انسانیت زدایی و اهریمن سازی

یکی از مؤثرترین شیوه‌های حمله، انسانیت زدایی است. چه این که وقتی حریف از مرتبه انسانی خویش تنزیل یافت و در قامت اهریمنی در ذهن مخاطب ظاهر شد، می‌توان اقدامات خشونت‌آمیز علیه این دیو و اهریمن را توجیه کرد. در این تاکتیک با استفاده از برچسب‌زنی صفات منفی به حریف از جمله دزد، قاتل، دروغگو و ... به توجیه حملات و تهاجمات علیه رقیب می‌پردازند. حالا اثرات عزاداری‌های اشتباه بعضی‌ها و قمه‌زنی‌ها را در رسانه‌های خارجی بررسی کنید که چگونه به این وسیله به راحتی می‌توانند برچسب وحشی‌گری و خشونت را به اسلام و تشیع بزنند!

10. ارائه پیشگویی‌های فاجعه آمیز

در این تاکتیک با استفاده از آمارهای ساختگی و به کمک سایر شیوه‌های جنگ نرم مثل پاره حقیقت‌گویی و ... به ارائه پیشگویی‌های مصیبت‌بار می‌پردازند که بتوانند حساسیت مخاطب را نسبت به آن افزایش داده و بر اساس میل و هدف خویش افکار عموم را هدایت نمایند. که این مورد در انتخابات بسیار استفاده می‌شود.

11. قطره چکانی

در این تاکتیک اطلاعاتی که می‌خواهند مخاطب باور کند را در زمان‌های گوناگون و به تعداد بسیار کم و به صورتی سریالی ولی نامنظم در اختیار مخاطب قرار می‌دهند تا مخاطب نسبت به پیام حساس شده و در طول یک بازه زمانی آن را بپذیرد.

12. جاذبه‌های جنسی

استفاده از نمادهای اروتیکال که مخاطبان را جذب می‌کند. مثل گویندگان خبری با ظاهری اروتیکال از جمله مصادیق این تاکتیک تلقی می‌شود که ضمن جذب مخاطب موجب ارتقاء سطح اثرپذیری وی نیز می‌شود. این موضوع در کارتن‌ها و داستان‌ها نیز مشاهده می‌گردد.

13. ایجاد تفرقه و تضاد

از جمله اموری که در فرایند تهاجم فرهنگی مورد توجه واقع می‌شود تضعیف از طریق تزریق تفرقه در جامعه هواداران و حامیان حریف است. ایجاد و القاء تضاد و تفرقه در جبهه رقیب باعث عدم انسجام و یکپارچگی شده و رقیب را مشغول مشکلات درونی جامعه‌ی حامیان خود می‌کند و از این طریق از اقتدار و انرژی آن کاسته و قدرتش فرسوده می‌شود. این تضادها باعث گسست قومیت، مذهب، جنسیت، زبان، نژاد و . . . می‌شود و مهم‌ترین هدف این تاکتیک ایجاد گسست بین مردم و نظام سیاسی است که باعث تزلزل و تنزل اعتماد عمومی مردم و مقبولیت رژیم سیاسی می‌شود.

14. ترور شخصیت

در تهاجم فرهنگی، ترور شخصیت جای ترور فیزیکی را گرفته‌است. در زمانی که نمی‌توان و یا نباید فردی مورد ترور فیزیکی قرار گیرد با استفاده از نظام رسانه‌ای و انواع تکنیک‌ها از جمله بزرگ‌نمایی، انسانیت‌زدایی و اهریمن‌سازی، پاره‌حقیقت‌گویی و . . . وی را ترور شخصیت می‌کنند و از این طریق باعث افزایش نفرت عمومی و کاهش محبوبیت وی می‌شوند. که از این قالب در طنز، کاریکاتور، شعر، کلیپ‌های کوتاه و . . . از طریق تلفن همراه و اینترنت استفاده می‌کنند.

15. تکرار

برای زنده نگه داشتن اثر یک پیام با تکرار زمان‌بندی شده، سعی می‌کنند این موضوع تا زمانی که مورد نیاز هست زنده بماند. در این روش با تکرار پیام سعی در القاء مقصودی معین و جانداختن آن می‌کنند. تکرار از لحاظ روان‌شناسی در تشکیل عادت بسیار مفید است به ویژه اگر با دقت توأم باشد. بدون تکرار، تثبیت و تقویت دقیق،

عادت میسر نخواهد شد. فاصله تکرار نباید چندان طولانی باشد که سبب محو شدن آثار قبلی شود و نه چندان کوتاه باشد که ملال انگیز و خسته کننده شود و مثل ضربه‌های چکش است که سرانجام میخ را می‌کوبد.^۱